



კავკასიის საერთაშორისო უნივერსიტეტი  
دانشگاه بین المللی قفقاز



საქართველოსა და ირანის ურთიერთობის  
სამეცნიერო-ანალიტიკური ცენტრი  
مرکز علمی-تحلیلی روابط ایران و گرجستان



رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران  
کرجستان  
ირანის ისლამური რესპუბლიკის  
საელჩოს კულტურის განყოფილება

საქართველო-ირანის პოლიტიკური, ეკონომიკური და  
კულტურული ურთიერთობებისადმი მიძღვნილი  
მეოთხე და მეხუთე საერთაშორისო სამეცნიერო კონფერენციების

# შრომები

# مجموعه مقالات

چهارمین و پنجمین کنفرانس  
بین المللی علمی روابط سیاسی، اقتصادی و  
فرهنگی ایران و گرجستان

თბილისი, 2021 წელი

تفلیس ۲۰۲۱

კავკასიის საერთაშორისო უნივერსიტეტი  
Caucasus International University

საქართველოში ირანის ისლამური რესპუბლიკის საელჩოს  
კულტურის განყოფილება

Cultural Consulate of The Embassy of The Islamic Republic of Iran  
in Georgia

საქართველო-ირანის პოლიტიკური, ეკონომიკური და კულტურული  
ურთიერთობებისადმი მიძღვნილი მეოთხე და მეხუთე საერთაშორისო  
სამეცნიერო კონფერენციების

## შრომები

## The Proceedings

of the Fourth and Fifth International Scientific Conferences on  
Georgia-Iran Political, Economic and Cultural Relations

თბილისი, 2021 წელი  
Tbilisi 2021

კრებული გამოდის კავკასიის საერთაშორისო უნივერსიტეტისა და საქართველოში ირანის ისლამური რესპუბლიკის საელჩოს კულტურის განყოფილების ერთობლივი მხარდაჭერით.

این مجموعه با حمایت رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران در گرجستان و همکاری دانشگاه بین المللی قفقاز منتشر گردیده است.

The proceedings will be published by mutual support of Caucasus International University and Cultural Section of Embassy of Islamic Republic of Iran.

რედაქტორები: მაია კაპანაძე, სოფიო გაბუნია

ویراستاران: مايا كاپانادزه ، صوفيا گابونيا

Editors: Maia Kapanadze, Sopia Gabunia

## طاهر بابائی

استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

### منیژه صدری

استادیار گروه تاریخ، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران

## نظام پرورش غلام صفویان و نسبت آن با سازمان مشابه حکومت‌های ممالیک و عثمانی

### مقدمه

در طول تاریخ اسلام، حکومتها و حکمرانان متعددی برای تاسیس و یا تحکیم حکومت خود به بهره‌گیری از نیروهای غیر بومی دست یازیده‌اند و در این راه، با نتایج مشابهی روبه‌رو شده‌اند. نخستین تجربه بهره‌گیری از نیروهای غیر بومی در جامعه غلامان را می‌توان در عصر نخست عباسی و در اقدامات المعتمد عباسی (180-227 ق) یافت که برای مقابله گروه‌های عرب و ایرانی به نیروهای غلام ترک گرایش یافت، اما به رغم نتیجه مثبت اولیه برای خلفای عباسی، سرانجام آن استیلای غلامان ترک بر نهاد خلافت بود. در قرون پس از آن و در اواخر حکومت ایوبیان، گرایش به غلامان برای رهایی از استیلای نیروهای کرد و عرب به چشم می‌خورد. دوره‌ای که در آن الملك الصالح نجم الدین ایوب (م 647ق) برای بر هم زدن توازن قدرت میان نیروهای خود، به سوی غلامان ترک غیر بومی گرایش یافت و در افزایش شمار آنان کوشید. این بر هم زدن توازن قدرت در میان نیروها با موفقیت انجام شد، اما سرانجام آن اقتدارگرایی پر شتاب مملوکان سلاطین ایوبی بود که به از دست رفتن حکومت آنان انجامید.

حکومت برآمده از خرابه‌های ایوبیان، حکومت ممالیک مصر و شام بود که در دو شاخه بحری (حک: 648-784ق) و برجی (حک: 784-924ق) بر سرزمین‌های به دست آمده از ایوبیان در مصر و شام حکمرانی کردند. شاخه نخست ممالیک که به دست شجرالدین و عزالدین آیبک بنیان نهاده و به دست الملك الظاهر بیبرس و الملك المنصور قلاوون صاحب شوکت شده بود، تشکیلات نظامی مقتدری را ایجاد کردند که با آن سپاه پر قدرت ایلخانان و صلیبیان را در هم شکستند. این سپاه که شامل گروه‌های اصلی ممالیک سلطانی، اجناد امیران و مجموعه دو گروه و سایر نظامیان ایالتی و نامنتظم با عنوان اجناد حلقه بودند، زیرمجموعه‌های بسیاری در بر داشتند که بخش اعظم آن به ستون نیروهای غیر بومی یعنی غلامان یا ممالیک متکی بود.<sup>33</sup> با وجود این، نیروهای ممالیک در مقابل حکومت قدرتمند همجوار خود کاری از پیش

<sup>33</sup> شبارو، صص 136-137

نبرد و طی تهاجم سال‌های 923 و 924 هجری قمری و طی دو نبرد مرج دابق و ریدانیه، حکومت خود را پایان یافته دید.

حکومت عثمانی (حک: 698-1340ق / 1299-1922م) - که با شکست و قتل قانصوه غوری (923ق) و طومان بای (924ق)، بساط حکومت ممالیک را برچیده بود- در بخش نظامی تا حد زیادی به نیروهای غلامان متکی بود. عثمان اول -بنیان گذار این حکومت- گر چه با نیروهای عشیره ای، حکومت امیر نشین خود را با سلطنت بدل ساخت، اما این نیروها توانایی تبدیل این حکومت به قدرتی مطلق در برابر بیلیک‌های آناتولی و قدرت‌های اروپایی را نداشتند؛ از این رو، علاوه بر بهره‌گیری از نظامیان ایالتی که تنها در هنگام لشکرکشی و نبرد گردهم می‌آمدند، در پی بنیان نهادن نیرویی از غلامان برآمدند که برآیند آن، تاسیس یکی از قدرتمندترین ارتش‌های ثابت و منظم جهان اسلام در قرون پیش از سده هجدهم میلادی از بطن منظم‌ترین و پر مجموعه‌ترین نهادهای پرورش غلام بود. ارتشی که در سال 920 ق حکومت صفویان را در دشت چالدران در هم کوبید. شاه اسماعیل اول صفوی در سال 907 ق حکومتی را بنیان نهاده بود که بر نیروهای عشیره‌ای (قزلباش) با عنوان قورچی متکی بود، اما با شکست چالدران، ضعف‌های آنان در برابر سپاهی که از انتظام نوین و سلاح‌های جدید برخوردار بود، مشخص شد. این چنین آنان نیز در دوره شاه مقتدر صفویان یعنی شاه عباس اول (حک: 996-1038ق)، به بهره‌گیری از نیروی غیر بومی گرایش یافتند.

سه حکومت ممالیک، عثمانی و صفوی هر سه به بهره‌گیری از نیروهای غیر بومی در نهادهای نظامی خود دست زده‌اند که برای هر حکومت نتایج مختلفی را رقم زده است. این بهره‌گیری، سبب شده است تا این گمانه پدید آید که بهره‌گیری از غلامان در تشکیلات نظامی و ایجاد نهاد پرورش غلامان در این سه حکومت، برآمده از اقتباس زنجیره وار است. این پژوهش، در پی آن خواهد بود تا با تمرکز بر چگونگی بهره‌گیری از نیروی غیر بومی در نهادهای حکومتی و نهاد پرورش غلامان در حکومت صفوی، به نسبت این ساختار با نهادهای پرورش غلامان در حکومت عثمانی و ممالیک مصر و شام بپردازد و میزان تشابه (در جزئیات به عنوان دلیل اقتباس از حکومت‌های مجاور) و تفارق آنها را با تاکید بر بخش نظامی مشخص کند. در بررسی این موضوع، تلاش خواهد شد تا ضمن بهره‌گیری از منابع فارسی، ترکی و عربی هر حکومت، به شیوه توصیفی و تحلیلی و با مطالعه کتابخانه‌ای، به این پرسش اصلی (میزان اقتباس صفویان از نهادهای پرورش غلام عثمانی و ممالیک در چه حد و چگونه بوده است؟) پاسخ منطقی و مستند داده شود. گفتنی است تاکنون پژوهش معتناهی در خصوص سنجش ارتباط نهاد غلامداری این سه حکومت انجام نشده است. معدود آثاری به شکل غیر مستقل به شکل گذرا به این موضوع، آن هم در دو سوی ایران و صفوی اشاره کرده‌اند و تنها مقاله جمال موسوی و طاهر بابائی با عنوان «مطالعه تطبیقی غلامداری در تشکیلات نظامی

عثمانی و صفوی»<sup>34</sup> به شکل تخصصی به مقایسه گروه‌های نظامی غلامان صفوی و عثمانی پرداخته است، اما این پژوهش نیز، علاوه بر عدم بررسی نسبت اقتباس در بخش‌های منابع غلامان، نهاد پرورش غلامان و زیر گروه‌ها، بخش ممالیک مصر و شام را دارا نیست. پژوهش‌های دیگری نظیر «مقایسه‌ای میان نیروی نظامی دولت عثمانی و صفوی» نوشته وحید باصری<sup>35</sup> و *تاریخ نظامی ایران: جنگهای دوره صفویه* نوشته خانباا بیانی<sup>36</sup> نیز انجام شده است که تنها به معرفی نیروهای نظامی دو حکومت بسنده کرده‌اند.

اهداف صفویان در بهره‌گیری از غلامان در ساختار نظامی با نگاه به ممالیک و عثمانیان

حکومت‌های ایرانی قرون پیش از سده دهم هجری، بارها به بهره‌گیری از غلامان به عنوان یکی از بخش‌های نیروهای نظامی اقدام کرده بودند و تشکیل این نیرو در زمان صفویان، امری بدیع و نو نبود.<sup>37</sup> صفویان در آغاز کار با بهره‌گیری از نیروهای ایلی و غیر ثابت برآمده از قبایل ترکمان موسوم به قزلباش و دسته‌های قورچی، دشمنان خود را در هم شکستند و حکومت خود را بنیان نهادند. با وجود این، نیروی ایلی قورچیان به مرور زمان سبب پیدایی مشکلات فراوانی برای شاهان صفوی شد و آنان را در حیطه اقتدار افزایی در تنگنا قرار داد. این قدرت افزایی قزلباشان با اصطکاک آنان به نیروهای دیوانسالار تاجیک که کمتر وارد حیطه نظامی می‌شدند، اما برای تصاحب مناصب عالی رتبه با نیروهای ایلی در رقابت بودند، بر دشواری‌ها می‌افزود.<sup>38</sup> واکنش شاهان صفوی به این مشکل با تلاش برای کاهش قدرت قزلباشان از همان اوان کار مشاهده می‌شود. در این راه، بهره‌گیری از نیروی سوم برای رفع طغیان آنان الزامی بود.<sup>39</sup> این نیرو که جهت بر هم زدن معادلات دو قطب قدرت به میان آمد، نیروی غلامان بود. غلام در گفتمان سیاسی صفویه بر وفاداری و تبعیت از شاهان دلالت داشت و آزاد نبودن آنان را در بر نمی‌گرفت؛ به طور کلی آنچه به عنوان غلام مورد نظر است، به کسانی اشاره دارد که ریشه مسیحی داشتند. کسانی که صفت تابع را داشتند و جایگاه برجسته‌ای در جامعه صفوی کسب کرده بودند.<sup>40</sup> الگوی تازه ارباب- غلام که صفویان برگزیدند، پادزهری در برابر شیوه حکومت طایفه‌ای بود و کارآمدترین ابزار برای حفظ نیروی حیاتی خاندان صفوی و در راس آن شاه صفوی را نشان می‌داد.<sup>41</sup>

موسوی، جمال و طاهر بابایی، «مطالعه تطبیقی غلامداری در تشکیلات نظامی عثمانی و صفوی»، *نیمسال نامه مطالعات تاریخ و تمدن*<sup>34</sup> *ملل اسلامی*، شماره دوم، پاییز و زمستان 1391ش، صص 58-74.

باصری، وحید، «مقایسه‌ای میان نیروی نظامی دولت عثمانی و صفوی»، *تاریخ نو*، شماره 4، پاییز و زمستان 1391.<sup>35</sup>

بیانی، خانباا، *تاریخ نظامی ایران: جنگهای دوره صفویه*، تهران، ستاد بزرگ ارتشستاران، 1353.<sup>36</sup>

فلور، ص 219.<sup>37</sup>

سیوری، ص 63.<sup>38</sup>

«چون از طوایف قورچی اکثر اوقات زیاده روی به ظهور رسیده در مقام شورش و سرکشی می‌بودند، خواستند جمعی را در مقابل آن طایفه داشته، رفع طغیان آن جماعت نمایند» (نصیری، ص 16).<sup>39</sup>

بابایی و دیگران، ص 9؛ شاردن، ج 3، صص 1193-1195.<sup>40</sup>

بابایی و دیگران، همانجا.<sup>41</sup>

در جهت تحقق این هدف، صفویان به نیروهای غیر بومی با نام غلامان (قوللر) روی آوردند؛<sup>42</sup> نیرویی که پیش از این توسط ممالیک مصر و عثمانیان مورد استفاده قرار گرفته و در تحکیم این حکومتها و کنار زدن نیروهای نامنظم تاثیرگذار بود.<sup>43</sup> این تقلید از ممالیک و عثمانیان در همان دوره صفویه مورد اشاره سفرنامه نویسانی قرار گرفته که با این دو حکومت آشنایی داشتند.<sup>44</sup> شاه اسماعیل اول نخستین کسی بود که پس از بهره‌گیری از خدمات قزلباشان، متوجه قدرت افزایی آنان شد. در دوره جانشین او شاه طهماسب اول (حک: 930-984ق) برای کاهش اقتدار قزلباشان اصلاحاتی در پیش گرفته شد که مهم‌ترین آنها بنای شالوده قشون مستقلی از غلامان و دیگری تداوم روند افزایش بهره‌گیری از نیروهای گرجی و سایر عناصر غیر ایرانی نظیر ارمنه بود.<sup>45</sup> این اصلاحات که با ترجیح عناصر غیر بومی، در پی کاهش قدرت اعیان و اشراف قبایل برآمده بود، در دوره شاه مقتدر صفویان به شکل ساختارمند و جدی پیگیری شد. شاه عباس اول با ایجاد نیرویی از غلامان (قَلَر / قُلُلر / قوللر)، با سرکشی‌ها و خودمختاری‌های بزرگان قزلباش به مبارزه برخاست.<sup>46</sup> او با این اقدام، نخستین ارتش ثابت تاریخ ایران دوره اسلامی را بنیان نهاد که از تفنگچی‌ها، بخش توپخانه و دسته غلامان تشکیل می‌شد.<sup>47</sup> وجود منابع تامین غلام که اهداف دیگری نظیر تجربه اندوزی جنگی و کسب غنائم نظیر تصاحب گنجینه‌های طلا و جواهرات کلیساها را نیز محقق می‌ساخت،<sup>48</sup> صفویان را در این کار تشجیع می‌کرد.

در سوی غربی صفویان، حکومت عثمانی در سرزمینی ایجاد شد که سرزمین بومی آنان قلمداد نمی‌گردید و نیز در منطقه‌ای پر خطر قرار داشت که با استقبال نیروهای مهاجر مواجه نمی‌شد؛ از این رو، کمبود نیروی وفادار می‌توانست حکومت آنان را در خطر دائمی قرار دهد. با پیشروی عثمانی در بخش‌های اروپایی که سرزمین غیر مسلمانان به شمار می‌رفت، شمار زیادی از اسیران مسیحی در اختیار عثمانیان قرار گرفت که متناسب با دین عثمانیان، غلام شمرده می‌شدند. بهره‌گیری از این غلامان - که بعدها به شکل سازماندهی شده گردآوری شدند- می‌توانست نیاز عثمانیان را در داشتن نیروی وفادار دائمی مرتفع کند. با این سیاست، عثمانیان علاوه بر تأمین نیروی وفادار در بخش‌های درباری، نیاز خود به نیروهای جنگاور را نیز رفع می‌کردند. علاوه بر این هدف، با توجه به اینکه ممالک مفتوحه غربی عثمانی غالباً مسیحی نشین بود، عثمانیان برای افزایش تعداد مسلمانان و در اقلیت قرار دادن مسیحیان گام برداشتند.<sup>49</sup>

<sup>42</sup> جنابدی، ص 716.

<sup>43</sup> سومر 181

<sup>44</sup> برای نمونه، نک: دلواله، ص 277؛ شاردن، ج 3، صص 1194-1195

<sup>45</sup> فلور، ص 178.

<sup>46</sup> رهبرن، صص 48، 49؛ سیوری، ص 77.

<sup>47</sup> سیوری، صص 76-77؛ مینورسکی، صص 54-55.

<sup>48</sup> سیوری، ص 63

<sup>49</sup> نک: جواد پاشا، ج 1، ص 7.

در مناطق جنوبی قلمرو عثمانی، هدف ممالیک برای گردآوری غلامان و تربیت آنان به شکل حضور خود آنان ارتباط داشت. اینان خود برای برهم زدن موازنه قدرت بین کردها و اعراب و سایر نیروها در دوره ایوبیان به کار گرفته شده بودند و به عنوان یک نیروی غیر بومی پایگاه اجتماعی چندانی نداشتند. با به قدرت رسیدن ممالیک در سال 648 ق جهت تحکیم و تداوم قدرت به افزایش نیروهای جنگاور با خاستگاه مشترک نیاز بود که علاوه بر تامین نیاز اصلی آنان، تامین نیروی جنگاور قدرتمند در مقابل مخالفان داخلی و تهاجم صلیبیان و مغولان، مشکل امنیت ممالیک را نیز مرتفع کند. از این رو، با به قدرت رسیدن ممالیک، خریداری غلامان شتاب گرفت.<sup>50</sup> این نیروها به سبب عدم تعلق به وطن و نیز تربیت نظام‌مند، دارای اتحاد بسیار در زیرمجموعه‌ها و وفاداری فراوان نسبت به سلطان بودند.<sup>51</sup>

#### منابع صفویان در گردآوری غلامان و مقایسه آن با منابع ممالیک و عثمانی

صفویان برای تشکیل نیرویی از غلامان که با آنان بتوانند معادلات قدرت را دگرگون کنند، با کمبود غلام روبه‌رو بودند و به منبعی نیاز داشتند تا بتوانند به تامین نیرو بپردازند. برای رفع این کمبود راه‌های مختلفی پیش روی صفویان بود. ساده‌ترین شکل به دست آوردن غلامان، سنت اهدای غلام بود که به دست فرماندهان نظامی، حکمرانان محلی و یا دولت‌های همجوار انجام می‌شد.<sup>52</sup> این طریق با وجود کم‌هزینه بودن، شمار ناچیزی از غلامان را به جرگه نظامیان صفوی وارد می‌کرد، اما راه دیگری برای افزایش تعداد غلامان وجود داشت که به عملیات نظامی وابسته بود<sup>53</sup> و با جنگ‌های شاه عباس اول در مناطق بالادستی قفقاز ارتباط داشت.

در دوره شاه مقتدر صفویان، لشکرکشی‌های به مناطق ماوراء قفقاز آغاز شد و شمار فراوانی از غلامان به دست صفویان افتادند.<sup>54</sup> اینچنین صفویان همانند دولت عثمانی با فتوحات خویش به منبع سرشاری از غلامان دست یافتند که غالباً مرتبط با تحرک نظامی صفویان بودند. بیشتر غلامان از حیث شمار و اعتبار، گرجیانی بودند که به شاه صفوی بیشترین نزدیکی را داشتند و توانستند مناصب مهمی به چنگ آورند. علاوه بر گرجیان، گروه‌هایی از ارمنیان، چرکس‌ها و سایر عناصر غیربومی به عنوان غلام به دستگاه صفوی وارد شدند.<sup>55</sup> با ورود این غلامان به تشکیلات صفویه، جمعیتی تحت عنوان «قلر/ قوللر» به وجود آمد که همانند غلامان عثمانی ریشه‌ای مسیحی داشتند و برآمده از گرجستان، چرکسستان و یا از دیگر سرزمین‌های شمال‌غربی ایران بودند.<sup>56</sup> ورود اینان واقعه بسیار مهمی بود که در بنیان طبقات اجتماعی

<sup>50</sup> حسن زاده کلشانی، ص 64؛ شبارو، صص 17-18. نیز نک: العربینی، صص 34-82

<sup>51</sup> شبارو، ص 143

<sup>52</sup> شاردن، ج 3، صص 1193-1194؛ رهبرن، ص 141.

<sup>53</sup> موسوی و بابایی، ص 63

<sup>54</sup> مینورسکی، ص 27

<sup>55</sup> شاه طهماسب، صص 58، 62؛ منجم، صص 368، 429؛ کمپفر، ص 89؛ جنابدی، ص 716؛ دلاواله، ص 276؛ مینورسکی، صص 27

<sup>54</sup> فلور، ص 220.

<sup>56</sup> شاردن، ج 3، صص 1193-1194



صفویان تاثیر عمیقی به جای گذاشت.<sup>57</sup> با وجود اینکه، نژادها و قومیت‌هایی نظیر گرجیان، چرکسان و ارامنه بدنه این جمعیت را شکل می‌دادند، اسیران گرجی بیشترین شمار را در بر می‌گرفتند؛ چندان که شاردن به پراکندگی آنان در سراسر ایران اشاره کرده و آورده است که با تصرف مناطق گرجی نشین، کوچ آنان به ایران آغاز شد و شاه عباس شمار زیادی از آنان را به ایران آورد که در کار خود پیشرفت کرده و زندگی پر آسایشی رقم زده‌اند.<sup>58</sup> این کوچ بی‌تردید، کوچی اجباری بود و به اسارت این افراد در نبردهای شاه عباس با مردمان قفقاز و ماوراء قفقاز ارتباط داشت. در تایید این دیدگاه می‌توان به گزارش اسکندریگ ترکمان استناد کرد که از کشتار شصت تا هفتاد هزار نفر و اسارت بیش از صد هزار نفر حکایت دارد.<sup>59</sup> با وجود این اجبار، برخی از گرجیان آزاد نیز بودند که به شکل داوطلبانه و در پی منافع به صفویان پیوسته بودند و از بزرگان و اشراف گرجی به شمار می‌آمدند، اما اکثریت غلامان را همین اسرای جنگی شامل می‌شدند.<sup>60</sup>

عثمانیان در تامین نیروهای غلام خود به منابع سهل الوصول تری دسترسی داشتند که شمار بسیار بیشتری از غلامان را در اختیارشان قرار می‌داد. برای دسترسی منتظم به منابع تامین غلامان، ساز و کاری ابداع شده بود که «دوشیرمه»<sup>61</sup> (به معنی گردآوری کردن) نام داشت. بر اساس قانون دوشیرمه، هر سه تا پنج سال یک بار، غالباً از میان کودکان هفت یا هشت ساله مسیحیان تعدادی گزینش می‌شدند و در گروه‌هایی به نام «سورو»<sup>62</sup> (به معنی گله) و تحت مراقبت مامورانی به نام «سوریجی/سوروجو» به استانبول منتقل می‌شدند و به مدت هفت سال در کانون یا اوجاقی «عجمی» مورد آموزش قرار می‌گرفتند که در نهایت بدانها «عجمی‌اوغلانی/عجمی‌اوغلان»<sup>63</sup> گفته می‌شد.<sup>64</sup> کودکان اهل آلبانی (ارناووط)، بوشناق (بوسنی)، روم، بلغار، صرب، ارامنه و کروات و شهرهایی نظیر اسکوپیه، ساماکوف، طاشلیجه، اشقودره، اخری، دکاکین، مناستر، گوریجه و بسیاری دیگر برای نظام تربیت غلامان عثمانی بیش از سایر نواحی مورد توجه قرار داشتند. گفتنی است که از میان ترکان، کردها، ایرانیان، روس‌ها، یهودیان، گرجیان و کولیان کودکی انتخاب نمی‌شد.<sup>65</sup> برخلاف عثمانیان، منابع تامین غلام ממالیک به منابع صفویان قرابت محلی بسیاری

<sup>57</sup> مینورسکی، ص 27

<sup>58</sup> شاردن، ج 3، ص 1194

<sup>59</sup> «از قتل و غارت و نهب و اسر و خرابی الکاء و ویرانی بیوت و مساکن بر سر نصارای کاخت آمد معلوم نیست که از ظهور اسلام الی الان در زمان هیچیک از پادشاهان ذی شوکت دیار اسلام ایشان را چنین حادثه پیش آمده باشد و آن ملک بدین سان ویران شده باشد عدد قتیلان از شصت هفتاد هزار متجاوز بود و اسیران از دختران زلیخا طلعت صاحب جمال ساده رخان یوسف لقای آراسته بزبور و خال و سایران و صبیان که تمامت آنها از نظر خجسته اثر همایون میگذشت زیاده از یکصد هزار بقلم درآمده اما باعتقاد راقم حروف زیاده از سی هزار دیگر در هر گوشه و کنار اسیر شد که از عدم فرصت بقلم درنیامد...» (اسکندریگ ترکمان، ج 2، صص 900-901).

<sup>60</sup> سیوری، ص 181

<sup>61</sup> Devşirme

<sup>62</sup> Sürü

<sup>63</sup> Acemioğlan

<sup>64</sup> قوجی بک، ص 7؛ شوکت، ج 1، ص 4؛ جواد پاشا، ج 1، ص 7

Uzunçarşılı, vol 1, p 14, 17; pakalın, vol 1, p 447.

<sup>65</sup> Pakalın, vol 1, p 445

داشت؛ زیرا ممالیک نیز مناطق ماوراء قفقاز نظیر چرکسستان و اطراف رود ولگا را هدف قرار داده بودند و اما به سبب دوری و نبود مناسبات، به جای تحرک نظامی، برده‌گیری را از طریق تاجران برده پیگیری می‌کردند.<sup>66</sup> آنچنان که مشاهده می‌شود، نظام تامین غلام عثمانی نسبت به ممالیک مصر و شام، شرایط متفاوتی داشت و به شکل سیستماتیک (دوشیرمه) اعمال می‌شد و تنها متکی به خرید و اسارت برده نبود.<sup>67</sup>

### آموزش غلامان در عصر صفوی و مقایسه آن با سازمان آموزشی غلامان ممالیک و عثمانی

غلامان تازه وارد حکومت صفوی برای اینکه بتوانند با وظایف خود به خوبی آشنا شود و بدانها به شایستگی عمل کنند، نیازمند آموزش بودند. غلامان از شبکه سیاسی - اجتماعی بومی خود جدا می‌شدند و با ورود به حکومت اسلامی، هویت تازه‌ای می‌یافتند که وفاداری به تشیع و شاه از جمله شرایط آن بود.<sup>68</sup> این غلامان در دربار تربیت می‌شدند و هویت تازه که حمایت از ادب فارسی، نهاد مذهب و سازمان تجارت از نموده‌های آن بود، موقعیت برترشان را تعریف می‌کرد.<sup>69</sup> گام نخست در تربیت غلامان، فراخوانی به اسلام بود. بدین منظور غلامان اسیر در آغاز استخدام، ختنه می‌شدند.<sup>70</sup> گفتنی است که برخلاف نظام غلامداری رایج در دوره‌های پیشین تاریخ ایران، این غلامان، عقیم نمی‌شدند.<sup>71</sup> شمار این غلامان در دوره‌های مختلف متغیر بوده است. کمپفر شمار آنان را تقریباً برابر با قورچیان دانسته و تعدادشان را بین پانزده تا هجده هزار نفر برآورد کرده است.<sup>72</sup> دلاواله تنها شمار غلامان نظامی را در حدود چنین رقمی (پانزده هزار نفر) ضبط کرده است که با همین اندازه از غلامان غیر نظامی شاغل در خدمات درباری و حکومتی، سی هزار نفر را در بر می‌گرفت.<sup>73</sup>

مکان آموزش غلامان عثمانی، انبار غلامان یا انبارک غلامان نام داشت که غلامان صفوی در آن آموزش می‌دیدند.<sup>74</sup> از انبار غلامان اطلاع چندانی در دست نیست، اما شاردن از مکانی به نام خانه گاو سخن رانده که در اصفهان قرار داشت و به سبب نگهداری گاوهای نر و ماده چنین وجه تسمیه‌ای یافته است. او

<sup>66</sup> شبارو، ص 17

<sup>67</sup> Ortaylı, P 241

<sup>68</sup> بابایی و دیگران، صص 9-10

<sup>69</sup> همو، ص 18

<sup>70</sup> کمپفر، ص 89؛ کاری، ص 65

<sup>71</sup> بابایی و دیگران، ص 26

<sup>72</sup> کمپفر، ص 89

<sup>73</sup> دلاواله، ص 277

<sup>74</sup> نصیری، ص 3؛ کمپفر، ص 154

آورده است که در زمان او، این محل، مسکن غلامان شاه است که از کودکی به خدمت او درآمده‌اند.<sup>75</sup> مینورسکی خانه گاو را بی ارتباط به انبارک غلامان دانسته و آن را تصحیف خانقاه خوانده است.<sup>76</sup>

در سوی عثمانی مکان آموزش غلامان، مشخص و با کارکرد معین بود. مرکز آموزش غلامان عثمانی، واحدی بزرگ به نام اوجاق عجمی‌اوغلان‌ها بود که بیش از یک مکان تربیتی به شکل تشکیلات بزرگ و نهاد کلان تربیتی نیروهای حکومتی نمود یافته است. گویا نخستین بخش این تشکیلات به عنوان سازمان تأمین و تربیت غلامان درباری و نظامی در زمان مراد اول (حک: 762-791) در گلیبولی تأسیس شد.<sup>77</sup> با افزایش شمار عجمی‌اوغلان‌ها، تشکیلات آنان گسترش یافت و دومین اوجاق عجمی‌اوغلان‌ها در استانبول ایجاد گردید.<sup>78</sup> در زیرمجموعه‌ها به خصوص در بخش‌های نظامی، واحدهای کوچکتتری نیز فعال بودند که به شکل تخصصی به آموزش غلامان می‌پرداختند. یکی از این مراکز، «ینی‌چری تعلیمخانه‌سی» (= تعلیمخانه ینی‌چریان) یا «یکیچریان‌خانه‌سی»<sup>79</sup> بود که در آن امر آموزش به‌دست «تعلیمخانه‌چی»‌ها انجام می‌شد و زیر نظر «تعلیمخانه‌جی‌باشی» قرار داشتند.<sup>80</sup>

انتظام مرکز آموزش غلامان ممالیک نیز بیش از صفویان بود. مرکز تربیت غلامان سلاطین مملوک مصر و شام، طباق<sup>81</sup> نام داشت که نخستین بار توسط الملك الظاهر بیبرس (حک: 658-676ق) در گوشه‌ای از برج زاویه ایجاد شد. وی در فضایی مشرف به مسجد، دو اردوگاه دیگر نیز بنیان نهاد.<sup>82</sup> پس از اقدامات، ملک اشرف خلیل (حک: 689-692ق) برای انتظام وضعیت ممالیک و جلوگیری از رقابتهای درون گروهی مملوکان، هر بخش از اردوگاه را به یکی از قومیت‌ها و نژادها اختصاص داد.<sup>83</sup> در سال 715ق در پی آتش سوزی در قاهره، مراکز تعلیمی و اردوگاه‌های جدید ایجاد شد و شمار طباق‌ها به دوازده رسید که در هر یک هزار مملوک حضور داشتند.<sup>84</sup> به مرور زمان شمار طباق افزایش یافت و به هجده طباق رسید.<sup>85</sup>

مواد آموزشی غلامان صفوی را نمی‌توان به شکل جزئی مشخص کرد. مواد آموزشی مذکور برای این دسته به شکل کلی و با عباراتی نظیر آموزش خواندن و نوشتن، آداب اسلامی به خصوص تشیع، ادب و آداب

<sup>75</sup> شاردن، ج 4، ص 1531

<sup>76</sup> مینورسکی، ص 108، پانویس 3

<sup>77</sup> Uzunçarşılı, vol 1, p 5.

<sup>78</sup> Ibid, vol 1, p 31.

<sup>79</sup> اولیاءچلبی، ج 1، صص 323، 580.

<sup>80</sup> جواد پاشا، ج 1، ص 15؛

Pakalın, vol 2, p 713.

<sup>81</sup> دهمان، طباق را جمع طبقه خوانده است (دهمان، ص 105).

<sup>82</sup> ابن تغری بردی، ج 7، صص 190-191

<sup>83</sup> مقریزی، ج 3، ص 374، شبارو، ص 140

<sup>84</sup> مقریزی، ج 2، ص 213، ج 3، ص 345-346؛ ابن شاهین الظاهری، ص 27؛ شبارو، ص 140

<sup>85</sup> برای اطلاع از جزئیات طباق‌های هجده گانه، نک: حسن زاده کلشانی، صص 68-69

و خدمات پادشاهی که آداب و رسوم درباری را در بر می‌گیرد، آمده است.<sup>86</sup> با توجه به شکل مشابه آموزش و به کارگیری فرزندان خاندان‌های بانفوذ و اشراف و اعیان که اوجی‌زاده و اواوغلی (خانه زاد) خوانده می‌شدند، می‌توان میان مواد آموزشی آنان و غلامان ارتباط منطقی یافت. مواردی نظیر «تعلیم قرآن و خواندن احکام شرعی و تقوی و طهارت»، «مصاحبت مردمان دین‌دار و کسان به امانت اختیار»، «صنعت نقاشی»، «خدمت علما و فضلا»، «فنون سپاهگری و تیر انداختن و چوگان باختن و اسب تاختن و قوانین سلاح شوری و قاعده انسانیت و آدمگری» از جمله تعابیری است که در گزارش شرفخان بدلیسی به عنوان مواد و اشکال آموزشی آمده است که می‌تواند با مواد آموزشی غلامان غیر بومی همسانی داشته باشد.<sup>87</sup>

در حکومت عثمانی، به شکل نظام‌مند و متناسب با قوانین حاکم بر نظام دوشیرمه به آموزش غلامان پرداخته می‌شد و غلامان به مدت هفت سال در مرکز پرورش غلامان عثمانی ضمن انجام خدمات مختلف، احکام دینی، زبان ترکی و استفاده از سلاح را فرا می‌گرفتند.<sup>88</sup> گفتنی است در بخش نظامی نیروهای غلامان که بیشتر با عنوان ینی‌چری شناخته می‌شود، به شکل اختصاصی تعلیمات بکتاشیه نیز آموزش داده می‌شد<sup>89</sup> که متعصبانه به آداب این فرقه پایبند بودند.<sup>90</sup>

آموزش مملوکان مصر، از خردسالی و و نوجوانی آغاز می‌شد و همانند صفویان تا بلوغ ادامه داشت.<sup>91</sup> آموزش حرفه‌ای غلامان در طباق، «رسم الکتابه» خوانده می‌شد و غلامان تحت تعلیم، «ممالیک کتابیه» خوانده می‌شدند.<sup>92</sup> رسم الکتابه نوعی تربیت غیر نظامی بود و مقدمه آموزش نظامی شمرده می‌شد. خواندن، نوشتن، قرآن خواندن، مقدمات احکام دینی، فقه خطاطی، تاریخ و ادبیات، شعر و آداب و شعائر، صلوات و اذکار دینی جزو مواد آموزشی غیر نظامی و فنون شمشیرزنی، تیراندازی و سواری مواد آموزشی نظامی را شامل می‌شدند.<sup>93</sup>

## توزیع در مناصب

<sup>86</sup> دلاواله، صص 44، 276؛ کمپفر، صص 89، 154؛ نصیری، ص 3.

<sup>87</sup> بدلیسی، ج 1، صص 449-450.

<sup>88</sup> قوجی بک، ص 7؛ شوکت، ج 1، ص 4؛ جواد پاشا، ج 1، ص 7.

Uzunçarşılı, vol 1, p 14.

<sup>89</sup> جوادپاشا، ج 1، ص 14؛

Pakalın, vol 2, p 713.

<sup>90</sup> Uzunçarşılı, vol 1, pp 147- 150.

<sup>91</sup> مقریزی، ج 3، ص 372

<sup>92</sup> مقریزی، ج 3، ص 372؛ ممالیک الطباق الکتابه (ابن تغری بردی، ج 14، ص 199)، ممالیک الکتابه (همو، ج 11، ص 267)،

ممالیک الاطباق الکتابه (همو، ج 16، ص 91).

<sup>93</sup> مقریزی، ج 3، ص 372-373

با تربیت خاص غلامان صفوی، این غلامان جز به شاه به فرد دیگری وفادار نبودند و عنصر اصلی سرکوب قزلباشان به شمار می‌آمدند.<sup>94</sup> اینان پس از آموزش مورد گزینش قرار می‌گرفتند و افراد ممتاز، دلیر و مورد اعتماد به خدمات جنگی زیر نظر قوللر آقاسی انتخاب می‌شدند و یا متناسب با مهارتی که داشتند در کارگاه‌های درباری و بیوتات سلطنتی زیر نظر «ناظر بیوتات» و یا نزد مقامات حکومتی به فعالیت می‌پرداختند.<sup>95</sup> چندان که شاه عباس اول، هزار یا هزار دویست تن از این غلامان را برگزیده و میان مناصب عالی رتبه تقسیم کرد و آنان بنا بر استعداد و مهارت به کاری اشتغال یافتند.<sup>96</sup> با وجود این، تعداد غلامان صفوی نه با اندازه غلامان عثمانی بود و نه همانند آنان طبق اصول صحیح تربیت شده بودند.<sup>97</sup>

عجمی‌اوغلان‌ها یا همان غلامان عثمانی، بر اساس قانون «چیکمه»<sup>98</sup> و با توجه به استعدادهایشان به بخش‌های مختلف دربار و نظامی که اوجاق‌های قاپی‌قولو را دربر می‌گرفت، فرستاده می‌شدند.<sup>99</sup> غلامان عثمانی در هر آنجا که نیاز حکومت بود، به کار گرفته می‌شدند و به اموری همچون خدمت در کشتی‌ها، خدمت در انبارهای هیزم، خدمت در ساخت بناهای مربوط به سلطان، تبرداری یا بالطه‌جی‌گری، خدمت در دربار و مهمتر از همه شرکت در جنگ می‌پرداختند.<sup>100</sup>

در میان ممالیک نیز، غلامان پس از آموزش‌های مختلف و فراغت از آموزش (تَخْرُج)، ضمن آزاد شدن، سلاح و لباس دریافت می‌کردند و تحت عنوان نیروهای سلطانی، در بخش‌های نظامی استقرار می‌یافتند.<sup>101</sup>

### گروه‌ها و مناصب مربوط به غلامان صفوی

غلامان صفویان به طور کلی به دو بخش «غلامان ساده» و «غلامان خاصه شریفه» تقسیم می‌شدند. نخست «غلامان ساده» بودند که به سبب حضور و تعلیم در انبارک غلامان، «غلامان انبار» نیز خوانده می‌شدند.<sup>102</sup> نیز «غلامان جدیدی» که میرزا سمیعا بدان اشاره کرده، به احتمال فراوان همین دسته بوده‌اند.<sup>103</sup> اینان تا زمانی که ریش درنیاورده بودند، در انبار غلامان تحت تربیت معلمان خود قرار داشتند<sup>104</sup>

<sup>94</sup> سیوری، ص 77

<sup>95</sup> کمپفر، ص 89، 154؛ شاردن، ج 3، ص 1194

<sup>96</sup> شاردن، ج 3، ص 1195

<sup>97</sup> شاردن، ج 3، ص 1195

<sup>98</sup> فرابند گزینش و به‌کارگیری غلامان در ساختار درباری و نظامی.

<sup>99</sup> شوکت، ج 1، ص 4

<sup>100</sup> جواد پاشا، ج 1، صص 174-175؛

Uzunçarşılı, vol 1, pp 40, 57, 60, 65; Ortaylı, P 241

<sup>101</sup> العربینی، ص 122-123

<sup>102</sup> میرزا سمیعا، ص 19؛ نصیری، ص 3؛ کمپفر، ص 154

<sup>103</sup> میرزا سمیعا، ص 38

<sup>104</sup> میرزا سمیعا، ص 19؛ نصیری، ص 3

و در آغاز تاسیس دسته آنان، زلف دار بودند، اما بعدها زلف آنان بریده و کوتاه شد.<sup>105</sup> این غلامان پس از رسیدن به سن مناسب و ملتحی شدن، به جرگه «غلامان خاصه» وارد می‌شدند و ضمن ورود به یوزده (گروه صد و ده نفره زیر نظر یوزباشی)، زیر فرمان قوللر آقاسی (فرمانده نیروهای غلامان نظامی) قرار می‌گرفتند.<sup>106</sup> این غلامان در خدمات جنگی به شکل سواره نظام ایفای نقش می‌کردند و سلاحشان را نیزه، تبرزین، شمشیر منحنی و کمان بود، اما در همان دوره شاه عباس اول با توجه به کم اهمیت شدن سلاح‌های کلاسیک، آنان به سلاح گرم تفنگ مجهز شدند.<sup>107</sup> غلامان خاصه در روزهای حضور شاه در سفرهای غیر جنگی پشت سر او و یا در جانب راست در کاب شاه حضور داشتند و با پوشش خود به شوکت و دبدبه شاهی می‌افزودند.<sup>108</sup> لباس شاخه‌ای از این غلامان که غلامان جزایری انداز (تفنگ‌های بزرگ)، مخمل زردوز، کلاه ریشه دراز و کمر بند نقره‌ای پهن بوده که شاید بتوان آن را به دیگر غلامان نیز تعمیم داد.<sup>109</sup>

در سوی عثمانی نیز غلامان به دو گروه بزرگ غلامان خارج از مرکز دولت یا غلامان ایالات و غلامان مرکز دولت تقسیم می‌شدند. غلامان ایالات (سرحدقولی یا یرلی‌قولی)، به وسیله حکمرانان ایالات استخدام می‌شدند و در مقایسه با غلامان مرکز دولت، اهمیت کمتری داشتند.<sup>110</sup> غلامان مرکز دولت که «قاپی‌قولو/ قپوقلی»<sup>111</sup> نام داشتند، به دو بخش پیاده‌نظام شامل از «عجمی‌اوغلان‌ها»، «ینی‌چری»، «جبه‌جی‌ها»، «توپچی‌ها»، «توپ آرابه‌جی‌ها» و «خمبره‌جی‌ها» و سواره‌نظام شامل «سلحداران»، «سپاه»، «علوفه‌چیان» و «غربا» تقسیم می‌شدند.<sup>112</sup> نیروی نظامی اصلی برآمده از این تشکیلات ینی‌چریان بودند. ینی‌چری به معنی سپاه نو، ارتش پیاده‌نظام عثمانی بود.<sup>113</sup> با توجه به این که ینی‌چریان از میان عجمی‌اوغلان‌ها انتخاب می‌شدند، باید پس از تشکیل عجمی‌اوغلان‌ها (در زمان مراد اول) به وجود آمده باشد. بر این اساس، تشکیل آن به دوره مراد اول نیز نسبت داده شده است.<sup>114</sup>

مسئول تعلیم و تربیت غلامان صفوی، لله غلامان یا لله غلامان خاصه و غلامان انباری نام داشت که در ابتدای تاسیس رسته غلامان تنها یک نفر چنین عنوانی داشت. بعدها معلم مخصوصی نیز به جهت تعلیم

<sup>105</sup> نصیری، ص 3

<sup>106</sup> میرزا سمیعا، ص 19؛ نصیری، ص 3

<sup>107</sup> کمپفر، ص 89؛ دلاواله، ص 277؛ شاردن، ج 3، ص 1193؛ کارری، ص 164

<sup>108</sup> نصیری، ص 16؛ میرزا سمیعا، ص 19

<sup>109</sup> نصیری، ص 16

<sup>110</sup> شوکت، ج 1، صص 9، 11؛

Uzunçarşılı, vol 1, p 617.

<sup>111</sup> به معنی غلامان دربار

<sup>112</sup> Uzunçarşılı, vol 2, p 127.

برای اطلاع بیشتر در مورد گروه‌های مذکور، نک. بابایی، صص 92-100.

<sup>113</sup> جواد پاشا، ج 1، ص 33؛

Uzunçarşılı, vol 1, p 144.

<sup>114</sup> نشانچی، صص 119-120؛

Hezarfen, p 143; Uzunçarşılı, Loc.cit.

آنان تعیین شد؛<sup>115</sup> از همین رو، میرزا سمیعا در تربیت غلامان صفوی، از لئه مخصوص و معلم مخصوص سخن رانده است.<sup>116</sup> این مقام با القاب «رفعت و معالی پناه عزت و عوالی دستگاه معتمد الخاقانی نظاماً للرفعه و المعالی آقا فلان» مخاطب قرار داده می‌شد و مواجب و تیول او در ولایت کمره قرار داشت که صد و هشتاد تومان می‌شد.<sup>117</sup>

عنوان مشابه لئه غلامان صفوی را در دوره‌های نخست برده‌گیری عثمانی می‌توان تاحدودی با «استانبول آغاسی» تطبیق داد که عمده فعالیت‌های عجمی او غلان‌ها و نظارت بر چگونگی آموزش آنان، زیر نظر او قرار داشت.<sup>118</sup> نیز در بخش ینی چریان می‌توان از مسئول کل تعلیمخانه ینی‌چریان یعنی «تعلیمخانه‌جی‌باشی» سخن راند.<sup>119</sup> با وجود این، آموزش غلامان عثمانی در مراتب مختلف توسط مقامات متعدد انجام می‌شد. مقام مشابه لئه صفوی را در میان ممالیک، می‌توان جماعت «طواشی» خواند. این جماعت که خود نیز جزو غلامان بودند، مسئولیت ترتیب و تعلیم غلامان و شکل‌چینش آنان را در طباق بر عهده داشتند. اینان دارای نفوذ و اعتبار فراوان بودند و در انجام امور از مقامات نظیر «مقدم الممالیک السلطانیه» (مقام بالادست طواشیان) و «سواقون» و شماری دیگر یاری می‌گرفتند.<sup>120</sup>

در میان صفویان، قوللرآقاسی فرمانده و سردسته غلامان و پس از قورچی باشی، دومین منصب قدرتمند در میان ارکان چهارگانه دولت صفوی و از امرای مجمع جانقی<sup>121</sup> بود.<sup>122</sup> این منصب را شاه عباس اول ایجاد کرده بود و معمولاً از میان غلامان انتخاب می‌شد.<sup>123</sup> تمامی امور مربوط به قوللر یا غلامان، اعم از فرماندهی و نظارت بر جریان پرداخت مواجب و تیول و انعام و نیز برخی دعاوی و منازعات زیر نظر وی قرار داشت.<sup>124</sup> او با تعابیر «رفعت و اقبال پناه عزت اجلال دستگاه عالیجاه مقرب الخاقانی نظاماً للرفعه و الاقبال فلان بیگ» مورد خطاب قرار می‌گرفت و برخی از آنان لقب «مصاحب» داشتند.<sup>125</sup> درآمد تیول او از الکای گلپایگان دوهزار تومان بود که مواجب، انعام و همه ساله و تنخواه، بدان افزوده می‌شد.<sup>126</sup> قوللرآغاسی در جنگ با پرچمی سفید، در طرف چپ شاه قرار می‌گرفت و در جریان لشگرکشی، در شب‌ها با زیردستان خود

<sup>115</sup> میرزا رفیعا، ص 215

<sup>116</sup> میرزا سمیعا، ص 19

<sup>117</sup> نصیری، ص 3؛ ق میرزا رفیعا که مواجب او را 50 تومان و شش ماه تیول که مجموعاً صد تومان می‌شد، آورده است (میرزا رفیعا، ص 215).

<sup>118</sup> Pakalın, vol 2, p 92.

<sup>119</sup> جواد پاشا، ج 1، ص 15؛

Pakalın, vol 2, p 713.

<sup>120</sup> العرینی، صص 116-117

مجمع سری صفویان؛ نک. موسوی، سید جمال و طاهر بابایی، "مجمع جانقی: تحقیقی درباره شورای عالی دربار صفوی"، مجله <sup>121</sup> مطالعات تاریخ اسلام، پژوهشکده تاریخ اسلام، شماره 6، 1389ش، صص 139-150.

<sup>122</sup> میرزا رفیعا، ص 192؛ میرزا سمیعا، صص 7، 8؛ نصیری، ص 15.

<sup>123</sup> جنابدی، ص 716؛ نصیری، ص 16؛ میرزا رفیعا، ص 193

<sup>124</sup> میرزا رفیعا، همانجا؛ میرزا سمیعا، ص 7.

<sup>125</sup> نصیری، ص 14

<sup>126</sup> میرزا رفیعا، ص 193؛ نصیری، ص 15

به کشیک می‌پرداخت.<sup>127</sup> نیز در مجلس درباری در طرف چپ شاه پایین‌تر از قورچی باشی می‌نشست.<sup>128</sup> گفتنی است که نخستین کسی که به این مقام منصوب شد، الله وردیخان گرجی بود.<sup>129</sup>

مقام مشابه قوللرآغاسی در میان عثمانیان، «ینی‌چری‌آغاسی» نام داشت که فرمانده دسته ینی‌چریان بود.<sup>130</sup> به دلیل اهمیت این منصب برای سلطنت عثمانی، همواره این صاحب‌منصب از میان معتمدترین افراد انتخاب می‌شد. ینی‌چری‌آغاسی تا آغاز سده یازدهم قمری از میان اوجاق ینی‌چری انتخاب می‌شد، اما به سبب تمایلات آشوب طلبانه، این رویه به مدت طولانی از میان برداشته شد و ینی‌چری‌آغاسی از میان افراد معتمد دربار انتخاب گردید.<sup>131</sup> از وظایف وی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: فرماندهی ینی‌چریان، رسیدگی به نظم و انضباط استانبول، انتظام نیروهای قلاع و استحکامات، بازدید از کوچه‌ها و اصناف، تنبیه متخلفان و مجرمان رسته و ...<sup>132</sup>

از مسئولان زیردست ینی‌چری‌آغاسی می‌توان به این مناصب و مشاغل اشاره کرد: «قول کتخداسی» که «اوجاق کتخداسی» و «کتخدا بک» نیز نامیده و معاون ینی‌چری‌آغاسی محسوب می‌شد.<sup>133</sup> «سگبان باشی» که فرمانده بخش سگبان‌های ینی‌چری بود. «زغرجی‌باشی» فرمانده اورتۀ (دسته / اردو) شصت و چهارم، «صامسونجی» فرمانده اورتۀ هفتاد و یکم، «طورناجی» فرمانده اورتۀ شصت و هشتم، «خاصکی‌ها» فرماندهان اورته‌های چهاردهم، چهل و نهم، شصت و ششم و شصت و هفتم، «محضرآغا» فرمانده اوطه<sup>134</sup>‌های نامعین، «کتخدا یری» جانشین معاون، «باش‌بلوکباشی» پر سابقه‌ترین افراد آغابلوک، «ینی‌چری افندیسی» مسئول امور مالی ینی‌چریان.<sup>135</sup>

فرمانده غلامان صفوی نیز افرادی در زیرمجموعه خود داشت که به امور غلامان رسیدگی می‌کردند. از مقامات مربوط به امور غلامان صفوی می‌توان به وزیر سرکار غلامان اشاره کرد که وظیفه رسیدگی به امور دیوانی و کیفیت مطالبات مالی و مواجب غلامان و مناصب مربوطه به دست او ممه‌ور می‌شد و ارقام ملازمت و اضافه تیول و مواجب توسط او ضبط و ثبت می‌شد.<sup>136</sup> نیز هر گاه که قرار بر این می‌شد که جمعی از غلامان از انبار به بیوتات و کارگاه‌های درباری منتقل شوند، می‌بایست به دستور وزیر سرکار غلامان

<sup>127</sup> میرزا رفیعا، ص 193؛ نصیری، 16.

<sup>128</sup> نصیری، ص 15

<sup>129</sup> نصیری، ص 15

<sup>130</sup> جوادپاشا، ج 1، ص 15.

<sup>131</sup> Uzunçarşılı, Ibid.

<sup>132</sup> شوکت، ج 1، صص 49-50؛ جواد پاشا، ج 1، صص 17-19؛

Uzunçarşılı, vol 1, pp 187, 188.

<sup>133</sup> شوکت، ج 1، صص 55-56؛ جواد پاشا، ج 1، ص 21؛

Pakalın, vol 2, p 317.

<sup>134</sup> به معنی اتاق و واحد کوچک نظامی، زیرمجموعه اورتۀ.

<sup>135</sup> جواد پاشا، ج 1، ص 17؛

Uzunçarşılı, Op.cit, vol 1, p 174.

<sup>136</sup> میرزا رفیعا، ص 193؛ میرزا سمیعا، ص 38



می‌بود.<sup>137</sup> مقام دیگر، مستوفی سرکار غلامان بود که با کمک پنج تن از محرران ملازم دیوان به استخراج ارقام مربوط به موجب و ثبت و ضبط امور مالی می‌پرداخت و نیز داد و ستد سازمان غلامان به دست او مدیریت می‌شد.<sup>138</sup> مین باشیان و یوزباشیان به عنوان سرکرده دسته‌های هزار تایی و صدتایی نیز در رشته‌های پایین دست و زیر فرمان قوللرآقاسی قرار داشتند.<sup>139</sup> به طور کلی غلامان عصر صفوی می‌توانستند به رده‌های بالای حکومت ارتقا یابند و تقریباً هیچ منصبی نبود که بدان دست نیابند؛ مناصبی که گاه مادام العمر بود و به شکل موروثی به فرزندانشان می‌رسید.<sup>140</sup> غلامان صفوی از میان مناصب عالی رتبه صفویان به مناصبی نظیر وزیراعظم، قوللرآقاسی، تفنگچی باشی، دیوان بیگی و ناظر بیوتات دست یافتند و تنها قورچی باشی، مستوفی خاصه، مجلس نویس، صدر و تا حدی ایشیک‌آقاسی باشی از مناصبی بودند که ترکان، تاجیکان و اعراب اجازه تصدی این مقامات را به غلامان ندادند.<sup>141</sup>

غلامان عصر ممالیک نیز در دسته‌های نظامی نظیر ممالیک سلطانی شامل ممالیک خاصیه، قرائنه، اجلاب یا جلبان و سیفیه و اجناد حلقه و اجناد امیران انتظام می‌یافتند و در سلسله مراتب نظامی نیز دارای گروه‌های درجه اول تا درجه سوم بودند که از متناسب با نیروهای زیر فرمان از هزار تا ده طبقه‌بندی می‌شود.<sup>142</sup> همین انتظام با شمار نفرات را می‌توان با مین باشی و یوزباشی صفویان تطبیق و در سایر اسامی و عناوین نمی‌توان تشابهی یافت.

#### نتیجه

صفویان از جمله حکومت‌های ایرانی بودند که در برهم زدن توازن قوا میان نیروهای خود، به نیروی غلامان گرایش یافتند. سیاستی که پیشتر توسط مملوکان مصر و شام و عثمانیان مورد استفاده قرار گرفته و با سازماندهی قابل ملاحظه‌ای پیگیری شده بود. صفویان پس از تاسیس و تثبیت حکومت خود، ایجاد نیروی غلامان را جهت کاهش قدرت نظامی نیروهای ترکمان هدف گذاری کردند و نیز با اصلاحاتی در پی نوسازی سپاه خود از حیث ثبات و سلاح برآمدند که با بهره‌گیری از غلامان گرجی و دیگر غیر ایرانیان اسیر شده طی حملات به قفقاز و ماوراء قفقاز محقق شد. این اهداف تا حدودی متفاوت با اهداف عثمانیان بود. عثمانیان در همان دوره تاسیس به پرورش غلامان دست زدند، تا ضمن رفع کمبود نیروی نظامی وفادار خود، با انگیزه‌های دینی و سیاسی به اروپای شرقی نفوذ کنند. اروپایی که منبع تامین غلامان عثمانیان بود و پس از حملات و فتوح، با وضع قانون دوشیرمه، به شکل سازماندهی شده، به عنوان محل تامین غلام مورد استفاده قرار گرفت. ممالیک نیز در همان آغاز کار به غلام پروری گرایش یافته و عمده اهدافشان نیز تامین و

<sup>137</sup> نصیری، ص 55

<sup>138</sup> میرزا سمیعا، ص 38؛ نصیری، ص 57

<sup>139</sup> میرزا رفیعا، ص 253، میرزا سمیعا، ص 38

<sup>140</sup> کاری، ص 164؛ بابایی و دیگران، 49

<sup>141</sup> نک، بابایی و دیگران، ص 175.

<sup>142</sup> شبارو، صص 136-137

تربیت نیروی نظامی وفادار بود که منبع آنان نیز مناطق شمال قفقاز و چرکستان بود. شکل گردآوری غلامان مملوک برخلاف دو حکومت عثمانی و صفوی، معطوف به خرید برده از تاجران بود. در پیدایی این تفاوت می توان گفت که عثمانیان و ممالیک از سرزمینی دیگر به محل حکومت خود آمده بودند و به نوعی پایگاه اجتماعی مستحکمی نداشتند؛ از این رو، برخلاف صفویان که دارای نیروی نظامی هم خانواده بودند، کمبود نیروی وفادار خود را بیش از اهداف دیگر مد نظر قرار داده بودند و البته شیوه‌های گردآوری غلامان (تهاجم و اسارت، خرید و وضع قانون) نیز در سه حکومت تفاوت بنیادین داشت.

مواد آموزشی غلامان صفوی را می توان همانند غلامان عثمانی و مملوک دسته بندی کرد. این مواد شامل بخش غیر نظامی نظیر خواندن و نوشتن و امور دینی و بخش نظامی شامل استفاده از سلاح و فنون رزم بود که در هر سه حکومت به شکل نسبتاً مشابه رواج داشته است. با وجود این، مکان آموزش غلامان صفوی که زیر نظر لله غلامان اداره می شد، مکانی کوچک و کمتر نظام‌مند بود، اما تشکیلات غلامداری عثمانی بسیار پیشرفته، پر زیرمجموعه و نظام مند بود که مناصب متعددی آن را اداره می کردند. مرکز پرورش غلامان ممالیک نیز تا حدی مشابه غلامداری صفویان بود و پیچیدگی چندانی نداشت؛ گرچه پیشرفته‌تر از صفویان بود و چندان آشفته نبود. گروه‌های فعال در این مراکز آموزشی را تنها در حیطة وظایف می‌توان مشابه خواند و در سایر زمینه‌ها نمی‌توان ارتباطی میان فعالان سه حکومت در بخش غلامداری متصور بود.

به طور کلی، به رغم تشابه نسبی در برخی موارد نظیر داشتن هدف، وجود منبع، ایجاد مرکز پرورش غلامان، نوع مواد آموزشی و به کارگیری غلامان تربیت شده در صنوف مختلف به خصوص صنوف نظامی، در جزئیات نمی‌توان تشابه قاطعی میان غلامداری سه حکومت یافت. این تفاوت در اسامی، عناوین و اصطلاحات مربوط به سازمان غلامداری هر یک از حکومت‌ها کاملاً برجسته است؛ چندان که هر سه حکومت اصطلاحات و عناوین مخصوص به خود را داشته و در شکل اسامی کاملاً متفاوت هستند. این تفاوت، دلیلی بر عدم اقتباس تعیین کننده حکومت‌ها از یکدیگر در ایجاد و اداره سازمان غلامداری است.

## منابع

ابن تغری بردی، *النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة*، وزارة الثقافة و الارشاد القومي، الموسسه المصریه العامه، قاهره، ۱۳۴۲

ابن شاهین الظاهری، *غرس الدین خلیل، زبده کشف الممالک و بیان الطرق و المسالک*، تصحیح بولس راویس، المطبعه الجمهوریه، باریس، 1894م.

احمد دهمان، محمد، معجم الالفاظ التاريخيه في العصر المملوكي، دارالفكر المعاصر، بيروت/ دارالفكر، دمشق، 1410ق/1990م.

اسکندربیک ترکمان، تاریخ عالم آرای عباسی، تصحیح ایرج افشار، امیرکبیر، تهران، 1387ش.  
اولیاچلی، محمدظلی بن درویش، سیاحتنامه، طابعی احمد جودت، اقدام مطبعه سی، استانبول، 1314ق.

بابایی، سوسن و دیگران، غلامان خاصه، ترجمه حسن افشار، نشر مرکز، تهران: 1390.  
باصری، وحید، «مقایسه ای میان نیروی نظامی دولت عثمانی و صفوی»، تاریخ نو، شماره 4، پاییز و زمستان 1391.

بدلیسی، شرفخان شرفالدین بن شمسالدین، شرفنامه یا تاریخ مفصل کردستان، تصحیح ولادیمیر ولیامینوف زرنوف، اساطیر، تهران، 1377

بیانی، خانابا، تاریخ نظامی ایران: جنگهای دوره صفویه، تهران، ستاد بزرگ ارتشتاران، 1353.  
جنابدی، میرزا بیک حسن، روضه الصفویه، تصحیح غلامرضا مجد طباطبائی، بنیاد موقوفات محمود افشار، تهران، 1378ش.

جواد پاشا، احمد، تاریخ عسکری عثمانی، قرق انبار مطبعه سی، استانبول، 1299ق.  
حسن زاده کلشانی، جعفر و مهدی جلیلی، «طباق آموزشکدههای نظامی دولت ممالیک»، تاریخ و تمدن اسلامی، سال یازدهم، شماره 21، بهار و تابستان 1394.

دلواله، پیترو، سفرنامه، ترجمه شجاعالدین شفا، علمی و فرهنگی، تهران، 1384ش.  
رهبرن، میشائیل کلاوس، نظام ایالات در دوره صفویه، ترجمه کیکاووس جهاننداری، علمی و فرهنگی، تهران، 1384ش.

سومر، فاروق، نقش ترکان در تشکیل و توسعه دولت صفوی، ترجمه احسان اشراقی و محمد تقی امامی، نشر گستره، تهران، 1371ش.

سیوری، راجرم، ایران عصر صفوی، ترجمه کامبیز عزیزی، نشر مرکز، تهران، 1388ش.

شاردن، ژان، سفرنامه، ترجمه اقبال یغمایی، انتشارات توس، تهران، 1374ش.

شاه طهماسب صفوی، تذکره، به اهتمام عبدالشکور، چاپخانه کاویانی، برلن، 1343ش.

شبارو، عصام محمد، دولت ممالیک و نقش سیاسی و تمدنی آنان در تاریخ اسلام، ترجمه شهلا بختیاری، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، 1380.

شوکت، محمود، عثمانلی تشکیلات و قیافت عسکریه‌سی، مطبعه مکتب حربیه، بی جا، 1325ق.

العربی، السید الباز، الممالیک، دار النهضه العربیه للطباعه و النشر، بیروت، [بی تا].

فلور، ویلم، دیوان و قشون در عصر صفوی، ترجمه کاظم فیروزمند، نشر آگه، تهران، 1387ش.

قوجی بک، رساله، طبعخانه موسیو واطس، بی جا، 1277ق.

کارری، فرانچسکو جمللی، سفرنامه، ترجمه عبدالعلی کارنگ و عباس نخجوانی، علمی و فرهنگی، تهران، 1383ش.

کمپفر، انگلبرت، در دربار شاهنشاه ایران، ترجمه کیکاووس جهاننداری، انجمن آثار ملی، طهران، 1350ش.

المقربزی، تقی الدین احمد بن علی، المواعظ والاعتبار بذكر الخطط والآثار، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1418ق.

منجم، ملاجلال‌الدین، تاریخ عباسی یا روزنامه ملاجلال، به کوشش سیف الله وحید نیا، انتشارات وحید، بی جا، 1366ش.

موسوی، جمال و طاهر بابایی، "مجمع جانقی: تحقیقی درباره شورای عالی دربار صفوی"، مجله مطالعات تاریخ اسلام، پژوهشکده تاریخ اسلام، شماره 6، 1389ش.

موسوی، جمال، طاهر بابایی، «مطالعه تطبیقی غلام‌داری در تشکیلات نظامی عثمانی و صفوی»، نیمسال نامه مطالعات تاریخ و تمدن ملل اسلامی، شماره دوم، پاییز و زمستان 1391ش، صص 58-74

میرزا رفیعا، دستورالملوک، تصحیح محمد اسماعیل مارچینکوفسکی، با ترجمه علی کردآبادی و مقدمه منصور صفت گل، وزارت امور خارجه، تهران، 1385ش.

میرزا سمیعا، تذکره الملوک، تصحیح محمد دبیر سیاقی، امیرکبیر، تهران، 1387ش.

مینورسکی، ولادیمیر، سازمان اداری حکومت صفوی، ترجمه مسعود رجب نیا، امیرکبیر، تهران، 1387ش.

نشانچی، محمد پاشا، تاریخ نشانچی، طبعخانه عامره، بی جا، 1279ق.

نصیری، میرزا علی نقی، القاب و مواجب دوره سلاطین صفوی، تصحیح یوسف رحیم لو، دانشگاه فردوسی، مشهد، 1371ش.

Hezarfen, Hüseyin Efendi, *Telhisül-beyan fi kavanin-i Al-i Osman*, Hazırlayan Sevim İlgürel, Türk Tarih Kurumu, Ankara, 1998;

Ortaylı, İlber, *Türkiye teşkilat ve idare tarihi*, Cedit Neşriyat, Ankara, 2008

Pakalın, mehmet zeki, *osmanlı tarih deyimleri ve terimleri sözlüğü*, milli eğitim basımevi, İstanbul, 1971;

Uzunçarşılı, İsmail Hakkı, *Osmanlı devleti teşkilatından kapukulu ocakları*, Türk Tarih Kurumu, Ankara, 1988;

**Manizheh Sadri**

Islamic Azad University

**Taher Babaei**

Ferdowsi University of Mashhad

## **Safavids slave-breeding organization and its relation to the similar organization of mamluk sultanate and Ottoman**

### **Abstract**

After the establishment and stability of the Safavids (1501- 1763 AD) by Turk troops and Persian bureaucrats, arised competition between these two groups to increase their authority. Therefore, Safavids disturbed the balance of power between these two main forces by reducing the authority of Turk troops. This process took place by the creation of a non-native force, called Ghulām or Ghol/ Kul. This policy had been experienced previously by the Mamluk Sultanate and Ottomans and had increased their power. The non-native groups – that most of them were georgians – had become the most loyal group of the Safavids and had religious, military and professional trainings. In the court section, they were trained to work in the court workshops and in the military section, they were

equipped with modern weapons. Creation of this new force has been considered an imitation of the Mamluke Sultanate and Ottomans. Relying on the reports from Persian, Turkish and Arabic sources, this research first, investigates the main goals of the establishment and the employment of this non-native groups by the Safavids. Second, this research, studies the resources from which the slaves were collected and the methods by which they were trained. Finally, as the third contribution, this research compares the aforementioned resources and methods with the Slave-Breeding system of the Mamluk Sultanate and Ottomans. All these studies are based on the main sources of the three governments. Despite the many similarities in most aspects, the results of this study has shown that the adaptation of the Safavid's slave system from the Mamluk and Ottomans was an unplanned, irregular and unorganized action.